

دختر بچه‌های امروز در بستر خانواده امن، زنان قوی فردا

تربیت درست خانوادگی سپری در برابر ناملایمات و کمبودهای جامعه

سپهرغرب، گروه ریحانه‌آفرینش – طاهره

ترابی‌مهوش؛ در گفت‌وگو با روان‌شناس تخصصی کودک مشخص شد؛ خانواده در کنار تأمین

نیازهای جسمی، مأمنی مهم برای برآورده کردن

نیازهای روحی و عاطفی دختر بچه‌ها به‌شمار

می‌روند.

۴۰ نوامبر روز جهانی کودک نام گرفته، روزی که بزرگسالان، فرصتی پیدا می‌کنند تا به کودک و دنیای زیبای او فکر کنند؛ کودکان آسیب‌پذیرترین گروه هر جامعه هستند و در عین حال آینده و سعادت هر جامعه‌ای به مراقبت و تربیت صحیح فرزندان آن وابسته است.

متأسفانه گاهی اوقات کودکان و به‌ویژه دختران در محیط‌هایی رشد می‌کنند که در آن‌ها آموزش‌های لازم برای فرزندپروری در ابعداه مختلف فردی و اجتماعی وجود نداشته و به همین دلیل در مسیر رشد، گرفتار مشکلات روان‌شناختی و احساسی می‌شوند که در نهایت آن‌ها را در راه غیر عادی قرار می‌دهد، چنین کودکانی نمی‌توانند مسیر سالمی به سوی بزرگسالی طی کنند و آینده پر از درگیری را تجربه خواهند کرد.

بنابراین کودکان برای رشد و بالندگی به امکاناتی اساسی نیاز دارند که بزرگ‌تراها و والدین‌شان باید به آن اهمیت بدهند.

بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع برآن شدیم تا در این باره با دانش‌آموخته دکتری تخصصی روان‌شناسی کودک گفت‌وگویی ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید؛

سمانه حقیری عنوان کرد: نیازهای کودک برای سلامت در دو بخش قابل احصاء است؛ نخست نیازهای جسمی که معمولاً همواره مورد توجه بوده و شامل تغذیه، خواب و غیره می‌شود که به رشد او کمک می‌کند و دوم نیازهای روحی که از طریق قرار گرفتن در محیط و در ارتباط با دیگران برآورده می‌شود.

وی با تأکید بر اینکه نیازهای روحی مهم‌ترین و درواقع زیربنای شخصیت یک کودک است و برآورده شدن آن‌ها مشخص می‌کند کودک در آینده شخصیت ثابتی داشته و یا سلامت روان او تضمین نشده، گفت: مهم‌ترین نیاز روحی احساس امنیت و دل‌بستگی است که معمولاً تا سه سالگی اتفاق می‌افتد یعنی طی این سه سال از سوی خانواده پذیرش کودک باید بی‌قید و شرط باشد.

این روان‌شناس با ابراز اینکه سه سال نخست زندگی وقت تربیت نیست و والدین و اطراف کودک نباید مسائل شناختی و مباحث این‌چنینی را در این زمان به او آموزش دهند اذعان کرد؛ او در این سن احتیاج به عشق و مهریابی بی قید و شرط دارد؛ بنابراین وقتی گریه می‌کند باید در حد توان به او محبت کرد، اینکه برخی‌ها عنوان

می‌کنند کودک را نباید در این سن بغل کرد چون

لوس و بغلی می‌شود، درست نیست.

حقیری با بیان اینکه همه این آموزش‌ها و

تعیین حدودها مرحله به مرحله باید بعد از سه

سالگی در تربیت کودک به‌عنوان یک نیاز مورد

توجه قرار گیرد، خاطرنشان کرد؛ طی این سال‌ها

اصل بر این است که مادر بتواند احساس امنیت

را به کودک خود انتقال دهد چراکه کودک در این

سنین ناهوشیاره ذهن (ضمیر ناخودآگاه) خود را

چیزی که بعد از سه سالگی ما در برآورده کردن

نیاز کودکان دنبال می‌کنیم عزت نفس و اعتماد

به‌نفس است که منشأ آن را باید احساس امنیت

و دل‌بستگی که تا سه سالگی در کودک رخ داده و

به‌صورت بنیادی پیش رفته، جستجو کرد.

وی با ابراز اینکه این سه سال زمان بنیادی و لازم برای والدین است که عزت نفس و خودباوری را به‌ویژه در دختران ایجاد کنند افزود؛ متأسفانه امروز ما شاهد آن هستیم که دختران ما در مقایسه با پسران به خاطر حالت خودمختاری و شرایط هیجانی موجود در آن‌ها از عزت نفس پایین‌تری برخوردار هستند.

این روان‌شناس تخصصی کودک با تأکید بر اینکه دختران ما به‌مراتب بیشتر از پسران امروز احتیاج به توجه و دل‌بستگی در خردسالی دارند تا در آینده بتوانند از اعتماد به‌نفس لازم برخوردار شوند اظهار کرد؛ این اعتماد به‌نفس در دختران احساس ارزشمندی ایجاد کرده و به او می‌گوید که تا چه حد در آینده از پس کارهایش برآمده و می‌تواند مسئولیت‌پذیر باشد.

حقیری با بیان اینکه فرزندان ما بعد از سه سالگی به‌دنبال استقلال هستند، ابراز کرد؛ این مرحله از اهمیت بالایی برخوردار است مخصوصاً وقتی دختر بچه ما خودش توان دستنمایی رفتن را پیدا کرده و با شروع به صحبت کردن می‌کند چراکه این قبیل کارها این احساس را منتقل می‌کند که او می‌تواند برخی از کارها را به‌تنهایی انجام دهد.

وی با تأکید بر اینکه باید به کودک دختر که

دنبال خودمختاری و کسب تجربه است، این

فرصت داده شده و استقلال او را به رسمیت

شناخت، اذعان کرد؛ توجه به این مقوله به او

احساس کفایت داده و درواقع زمینه‌ساز آن است

که او بتواند فردی مستقل باشد.

وی با اشاره به اینکه مهم‌ترین چیزی که در

خصوص احساس استقلال و خودمختاری در

کودک ایجاد می‌شود، کنجکاوی است اذعان کرد؛

اگر ما این حس را تخریب کنیم احساس می‌کند

که اصلاً هیچ چیزی برای او نباید مهم باشد، پس

به‌دنبال کسب مهارت و یادگیری نمی‌رود، بنابراین

نمی‌توان در چنین شرایطی بعد از هفت سالگی

انتظار داشت که با یک کودک مسئولیت‌پذیر و

فعال مواجه شد.

وی با بیان اینکه متأسفانه چنین مشکلاتی را

در دختران بیشتر می‌بینیم زیرا در سبک تربیتی و

فرهنگ ما دختر وابسته‌تر بار می‌آید و برای آن‌ها

محدودیت‌هایی برای رفتن به بیرون از فضای

منزل قائل می‌شوند، اذعان کرد؛ این رویکرد

احساس کنجکاوی را در آن‌ها می‌کشد و در این

صورت است در آینده ما زنان قوی را در جامعه

مشاهده نخواهیم کرد.

این روان‌شناس با اشاره به اینکه خوشبختانه

شرایط امروز ما نسبت به قبل در این زمینه بهبود

یافته و دختران ما نسبت به چند دهه قبل قوی‌تر

هستند، ابراز کرد؛ آنچه مسلم است اینکه دختران

کنجکاو امروز ما زنان قوی آینده جامعه هستند.

حقیری با ابراز اینکه مبحث بعدی مرتبط با نیاز

روحی کودکان به‌ویژه دختران نگاه واقع‌بینانه

به آن‌هاست اذعان کرد؛ آنچه در این زمینه

مشکل‌ساز است اینکه والدین ما همیشه آرزوهای

دست‌نیافته و ناکامی‌های خود را در فرزندان‌شان

دنبال می‌کنند.

وی با بیان اینکه در تربیت فرزند باید این درک

را داشت که کودک من شبیه من نیست و علایق

او نیز شبیه علایق من نخواهد بود بلکه شخصی

است با ویژگی‌های خاص خود، گفت؛ والد باید به

این درک برسد که دختر او قرار نیست شبیه او یا

شبیه مادرش باشد، بنابراین انتظار اینکه فرزند

دختر او باید هر آنچه او دوست دارد را دنبال کند،

نامعقول است.

وی با اشاره به اینکه عدم توجه به توانمندی‌ها،

داشتن خواسته‌های نامعقول به‌ویژه در دختران

و سرزنش و مقایسه او با همسالان و حتی فرزند

دیگر خانواده یک روش تربیتی بسیار غلط است

که نیاز عاطفی و احساسی فرزندان را در آینده

خدشه‌دار می‌کند، عنوان کرد؛ همین امر باعث

می‌شود که کودک خردسال ما توانایی‌های خود

را رو نکرده و در آینده در تصمیم‌گیری دچار مشکل

شده و در انجام کارها پافشاری لازم را نداشته

باشد.

این روان‌شناس تخصصی کودک با بیان

اینکه اهمال‌کاری فرزندان ما در سنین بالا

نتیجه انتظارات غیر واقع‌بینانه است اذعان کرد؛

متأسفانه در پی ناتوانی در تصمیم‌سازی دختران

ما بیشتر در انجام کارها دچار شک شده و به

اصطلاح تا دقیقه ۹۰ تردید داشته و همین امر

ریحانه‌آفرینش

- دوشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۳**
- سال هفدهم ■ شماره ۲۹۶۷**

عدم پاسخگویی به این خواسته‌ها به‌صورت

معقول، قرار است برای کودک ما چه اتفاقاتی در

پیش‌رو باشد.

وی با بیان اینکه بیان هیجانات منفی و

پاسخگویی درست به آن‌ها از سوی والدین و

اطرافیان دختران راه را برای هیجان مثبت باز

می‌کند گفت؛ نیاز آخر که از اهمیت بالایی برخوردار

است نیاز به بازی و تفریح است، در بیشتر موارد

ما عادت کرده‌ایم به اینکه در مقابل این خواسته

جبهه گرفته و بگویم که مثلاً همه امکانات لازم

را فراهم کرده‌ایم به فلان مدرسه فرستاده و یا

اینکه گران‌ترین لباس را برایت خریده‌ایم.

این روان‌شناس کودک ادامه داد؛ این در حالی

است که والدین باید به این سؤال پاسخ دهند که

آیا وقت برای بازی با کودک خود گذاشته‌اند چراکه

یادگیری و شناخت کودک از پیرامون خود از طریق

بازی و تفریح رقم خورده و یقیناً گوشی موبایل

و تبلت هیچگاه نمی‌تواند جای بازی را در زندگی

کودک بگیرد.

حقیری با بیان اینکه آخرین نیاز کودک

خوب‌بختن‌داری و خودکنترلی است، اذعان کرد؛

همانطور که گفته شد تا سه سالگی پذیرش

بی قید و شرط محبت، عشق و عاطفه و بعد از

سه سالگی خودمختاری و سپس اجازه بروز

هیجان می‌بایست به کودک داده شود اما بعد

از این مرحله باید به او یاد داد که در برابر برخی

از خواسته‌ها می‌بایست جلوی خودش را بگیرد،

درواقع برای او محدودیت، حد و مرز قرار دهیم

و حتی اجازه بدهیم که در برخی موارد ناکامی را

تجربه کند.

وی ادامه داد؛ مثلاً وقتی من با کودکم بازی

می‌کنم نباید شرایط را به گونه‌ای پیش برد که

او تنها برنده بازی باشد بلکه باید این بچه باید

توانایی پذیرش شکست را نیز آموخته و ناکامی

چالش‌های مادران شاغل؛ دوگانه شغل و فرزند

فرزندان، تنها به میزان زمان سپری‌شده با یکدیگر بستگی ندارد، بلکه به نحوه استفاده از این زمان و ایجاد تعاملات مثبت و سازنده مرتبط است. شجاعی افزود؛ با توجه به فشارهای ناشی از کار و خانه، یافتن راهکارهایی برای تقویت پیوند عاطفی میان مادران و فرزندان حتی در زمان محدود، امری ضروری به شمار می‌رود.

وی در این خصوص معتقد است که مادران

برای بهره‌برداری بهتر از زمان محدود خود با

فرزندان، نیازمند رشد فردی و توانمندسازی

هستند. این پژوهشگر توضیح می‌دهد؛ مادری

که خسته از کار روزانه به خانه می‌رسد، به سختی

می‌تواند مهر و محبت و ارزش‌های فرهنگی را به

فرزند خود منتقل کند. برای اینکه یک زن بتواند

این نقش را به خوبی ایفا کند، باید ابتدا رشد

فردی داشته باشد.

به گفته پژوهشگر و فعال حوزه زنان و

خانواده، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مانند

افزایش طلاق، کاهش سن اعتیاد و مفاسد

اخلاقی ریشه در بر هم ریختن و جابه‌جایی

نقش‌های جنسیتی و تحمیل نقش‌ها و

مسئولیت‌های مردانه به زنان است.

شجاعی افزود؛ زنان وارد عرصه‌های اجتماعی

شدند تا با مشارکت و همکاری در موقعیت‌های

مختلف جامعه نقش‌آفرینی کنند و جامعه

و کشور و توانمندی‌ها و استعدادهای آنان

بهره‌مند شود. این تحول در شرایطی رخ

داد که هیچ زیرساخت مناسبی برای حمایت

از نقش‌های منحصربه‌فرد و بنیادین زنان در

خانواده، مانند مادری و همسری، فراهم نشده

است. آن، آسیب‌های اجتماعی ناشی از این فقدان و

جابه‌جایی نقش‌هاست که فشارهای سنگین و

جبران‌ناپذیری را بر خانواده‌ها تحمیل کرده است.

وی بر ضرورت فراهم نمودن زیرساخت‌های

فرهنگی و قانونی برای حمایت از نقش‌های

جنسیتی زنان و مردان تأکید و خاطرنشان

می‌کند که بدون این زیرساخت‌ها، نه‌تنها زنان

بلکه کل خانواده و نهایتاً جامعه تحت‌تأثیر

آسیب‌های جدی قرار خواهد گرفت.

خانواده و سبک زندگی دارد، قوانینی حمایتی برای تقویت نقش «قوامیت مردان» در خانواده است اما نیاز به سازوکارهای قانونی و فرهنگی داریم که استقلال اقتصادی زنان را تضمین کند، به گونه‌ای که این استقلال در چارچوب نقشی که مردان در خانواده به عنوان قوام دارند، قرار گیرد.

وی تأکید می‌کند که زنان باید آزادی انتخاب

داشته باشند؛ اینکه بخواهند شاغل باشند

(شغل به معنای حضور در ساعات معین در

محل کار و کسب درآمد) یا به خانه‌داری بپردازند،

نباید اجباری یا تحمیلی باشد.

او می‌گوید؛ اینکه یک زن بخواهد شغلی

مورد زمانی که خودسرپرست یا سرپرست خانوار هستند، شرایط متفاوتی دارد. این فعال حوزه زنان همچنین به بحث تربیت فرزندان در بستر خانواده‌های شاغل می‌پردازد و اظهار می‌کند؛ برخی معتقدند شاغل بودن مادران باعث افزایش اعتماد به نفس و استقلال فرزندان می‌شود و برخی دیگر به مشکلات عاطفی و تربیتی اشاره دارند. اما اگر به نظم و چینش نقش‌ها در خانواده از منظر اسلام برگردیم، خواهیم دید که مسئولیت مراقبت از فرزندان، ترو خشک کردن آنان و انجام امور منزل به شکلی که امروز رایج است، لزوماً بر عهده مادران نبوده و این نقش‌ها به «نظام دایگی») سپرده می‌شد.

شجاعی افزود؛ نکته مهمی که نباید مورد

غفلت قرار بگیرد و نقش تعیین‌کننده‌ای در نظم

که شاغل بودن مادران می‌تواند الگوهای مثبتی

از استقلال، مسئولیت‌پذیری و موفقیت را به

فرزندان منتقل کند. در این زمینه، پژوهشگر و

فعال حوزه زنان و خانواده به ارائه توضیحاتی

می‌پردازد.

* «استقلال اقتصادی زنان؛ انتخابی آگاهانه یا

سپهرغرب، گروه ریحانه‌آفرینش؛ درعصرحاضر،

مادران شاغل با دو مسئولیت روبه‌رو هستند؛

یکی در محل کار و دیگری در خانه. این وضعیت،

بار سنگینی را بر دوش آن‌ها می‌گذارد و بر کیفیت

پیوند عاطفی آن‌ها با فرزندان تأثیر می‌گذارد.

فاطمه شجاعی، فعال حوزه زنان و خانواده،

معتقد است که برای مقابله با این چالش‌ها،

باید جهت‌گیری‌ها برای استقلال اقتصادی زنان

به‌صورت بنیادی تغییر کند.

در دنیای امروز، صدای زنگ هشدار تلفن‌های

همراه زودتر از طلوع خورشید شنیده می‌شود.

خیابان‌ها پر از مادرانی است که با عجله

بچه‌هایشان را به مدرسه می‌رسانند و سپس

به سوی محل کار خود می‌روند. مادر بودن

دیگر تنها به خانه و آشپزخانه محدود نمی‌شود.

مادران شاغل نقش‌هایی چندگانه را بر عهده

دارند؛ از مدیر پروژه در محل کار گرفته تا مربی،

مشاور و همدم در خانه. اما پشت این ظاهر

هماهنگ، چالش‌ها و دغدغه‌های بسیاری پنهان

است که زندگی آن‌ها و فرزندان‌شان را تحت تأثیر

قرار می‌دهد.

برای فرزندان، بعضی روزها انتظار کشیدن

برای بازگشت مادر، شبیه به لحظاتی بی‌پایان

است. سؤالاتی که در ذهن بچه‌ها می‌چرخد؛

«چرا مامان مثل بقیه مادران در خانه نیست؟»،

«آیا کار مامان مهم‌تر از من است؟» از سوی

دیگر، مادران با این حس مداوم مواجه هستند

که آیا توانسته‌اند بین کار و خانه تعادل ایجاد

کنند؟ آیا فرزندان‌شان به اندازه کافی از توجه و

عشق بهره‌مند می‌شوند؟

در این میان، مسئله تأثیر شاغل بودن

مادران بر تربیت و رشد عاطفی فرزندان به یکی

از موضوعات بحث‌برانگیز تبدیل شده است. در

جامعه‌ای که حضور زنان در محیط‌های کاری

گسترده‌تر از گذشته شده، برخی معتقدند که

شاغل بودن مادران ممکن است زمان کمتری

برای ارتباط عاطفی و تربیتی با فرزندان فراهم

کند و به‌طور بالقوه بر رشد عاطفی، تربیتی و

روانشناختی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد.

از سوی دیگر، برخی تحقیقات نشان داده‌اند